Archive of SID

# اصول موضوعه و راهبردهای بانکداری اسلامی در چارچوب نظام اقتصادی اسلام

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۲/۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۳/۱

**حسین عیوضلو***
**مجید کریمی ریزی****

## چکیده

*نظام پولی و بانکی اسلامی مشتمل بر بانک مرکزی، شبکه بانکی، نهادهای قانونی، نظارتی، کنترلی، تنظیم‌گری (رگولاتوری)، نظامات حسابداری و حسابرسی و مالیاتی و همچنین سازوکار تعیین قیمت و ... می‌باشد که همه این مجموعه را باید در چارچوب نظام اقتصادی اسلام ارزیابی نمود. بدون توجه به کلیت نظام بانکداری اسلامی اعمال تغییر در بخشی از ابعاد این نظام از جمله تغییر در روابط حقوقی، تغییری بنیادین در ساختار موجود نظام بانکی ایجاد نمی‌کند.*

*آنچه به عنوان مزیت این تحقیق مطرح است نوع نگاه سیستمی به نظام بانکداری اسلامی است که آن را به عنوان یک زیرسیستم در ساختار اقتصاد اسلامی می‌بیند. این چارچوب بر اساس سه واژه و معیار قرآنیِ حق و عدل و قوام توضیح داده می‌شود. بر این اساس مقاله حاضر به اصول و راهبردهای بانکداری اسلامی به عنوان یکی از مهم‌ترین کارکردهای اقتصاد اسلامی پرداخته است. برای دستیابی به جوهر نظام بانکداری اسلامی قبل از هر چیز تنظیم «نگرش» مهم است: نگرش بر اساس روش‌شناسی مبتنی بر رویکرد سیستمی و شناسایی ارکان تکوینی و تشریعی اقتصاد و بانکداری اسلامی است که در این تحقیق به آن اشاره شده است. در این تنظیم و معماری جدید از نظام بانکداری اسلامی «فقه الاقتصاد» نقش ویژه‌ای خواهد داشت. بر این اساس ثبات پول، رابطه بخش پولی با بخش واقعی، تعادل‌های اقتصادی، قیمت‌گذاری و نظارت تخصصی موضوعات اساسی خواهد بود که بر اساس این نگرش، در نظام بانکی بررسی می‌شود و قراردادهای اسلامی در این بستر به اجرا در می‌آیند.*

**واژگان کلیدی:** *اقتصاد اسلامی، بانکداری اسلامی، نگرش سیستمی، راهبردهای بانکداری اسلامی.*
**طبقه‌بندی JEL**: E59, E58, G21, Z12.

*. عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق ﷺ (نویسنده مسئول). Email: ayvazlou@isu.ac.ir.
**. دانشجوی دکترای اقتصاد، دانشگاه امام صادق ﷺ. Email: majidqoran@gmail.com.



www.SID.ir

Archive of SID

## مقدمه

صنعت بانکداری در جهان طی سال‌های اخیر شاهد تحولات گسترده بوده است. این تحولات در کسب و کار و مبادلات اقتصادی تأثیر بنیادین گذارده است. گسترش بازارهای بین‌المللی، جهانی‌شدن بازارها، ورود ابزارهای جدید تأمین مالی و استانداردسازی ابزارها و بازارها، فعالیت رقابتی بانک‌ها در سطح ملی و بین‌المللی، ادغام بانک‌های بزرگ و تشکیل بانک‌های چندملیتی و وقوع بحران‌های اخیر اقتصادی در سطح جهان سبب شده ایجاد تحول در روش‌های بانکداری به‌صورت جدی مد نظر قرار گیرد.

از طرف دیگر، در کشور ما نیز انتظارات از نظام بانکی و تأکید دولت بر استفاده از بانک‌ها به عنوان ابزار تحقق اهداف اقتصادی کشور، ضرورت تبیین نظام بانکداری فعال و مؤثر در نظام اقتصادی و مبتنی بر آموزه‌های اسلامی را بیش از پیش مهم و حیاتی نموده است. نظام بانکی باید بتواند علاوه بر پشتیبانی از اهداف اقتصادی کشور با برخورداری از انعطاف‌پذیری لازم در مقابل شوک‌های اقتصادی و غیراقتصادی مقاومت نموده و قابلیت برگشت‌پذیری به شرایط عادی و باثبات را در خود ایجاد نماید.

## تبیین مسئله

در این تحقیق ضمن نقد و آسیب‌شناسی اجمالی رویکرد بانکداری بدون ربا، اصول و معیارها به علاوه راهبردهای کلی بانکداری اسلامی با استفاده از روش تحلیلی و در چارچوب مبانی نظری اقتصاد اسلامی بیان می‌شود. به بیانی دیگر، در این مقاله ابتدا به‌طور اجمال رویکرد بانکداری بدون ربا نقد می‌شود و اشکالات اساسی آن توضیح داده می‌شود و سپس رویکرد بدیلی به عنوان رویکرد بانکداری اسلامی مبتنی بر الگوی جامع اقتصاد اسلامی تبیین می‌شود. به همین منظور از سه اصل جوهری «حق»، «عدل» و «قوام» به عنوان اصول بنیادین اقتصاد اسلامی برای تبیین و تجزیه و تحلیل راهبردها، سیاست‌ها و مسائل نظام بانکداری اسلامی استفاده می‌شود.

ازآنجاکه نظام بانکداری اسلامی به عنوان زیرسیستم نظام اقتصاد اسلامی شناخته می‌شود، لازم است اصول و مبانی نظام اقتصاد اسلامی در بانکداری اسلامی در جهت رفع



www.SID.ir

Archive of SID

نیازهای اقتصادی جامعه لحاظ گردد. یک نظام یا سیستم اقتصادی نظیر «نظام بانکداری» زمانی اسلامی تلقی می‌شود که مبتنی بر شریعت حقه اسلام باشد.

«سیستم» یا «نظام» مجموعه‌ای از اجزای مرتبط به هم است که به دنبال تحقق هدف خاصی می‌باشد. بر اساس این تعریف نظام بانکداری اسلامی سیستمی مرکب از اجزا، روابط و اهداف است و هر یک از سه رکن همگی از متون و مستندات اسلامی استخراج می‌شوند؛ اما باید توجه داشت صرف تهیه و تنظیم این سه رکن لزوماً ساختار و مکانیسم منسجمی را نتیجه نمی‌دهد و به همین جهت ضروری است که سازگاری و انسجام ارکان آن اثبات شود. این مهم زمانی حاصل می‌شود که به‌طور معتبر اثبات شود که اجزا و روابط این سیستم ضرورتاً اهداف مورد نظر را به دست می‌آورند.

با توجه به توضیحات فوق، منظور از نظام بانکداری اسلامی معرفی سیستم جامعی مرکب از اجزا، روابط و اهداف ویژه‌ای است که:

- اسلامی باشد.
- با یکدیگر سازگار باشند و همدیگر را نفی نکنند؛ یعنی با تحقق اجزا و روابط مورد بحث، هدف تعیین‌شده قابل دستیابی باشد.
- بر اساس اصول، معیارها و قوانین و روابط اثباتی اقتصاد اسلامی، راهبردها و سیاست‌های مشخصی را برای کارکرد مناسب سیستم مالی و بانکی اسلام ارائه دهد.
- بر اساس اصول و مبانی نظام، امکان تجزیه و تحلیل مسائل پیش رو فراهم شود؛ همچنین امکان تبیین پدیده‌ها و رفتار متعارف اقتصادی و داوری درباره واقعیت‌های اقتصادی میسر گردد.

بنابراین مسئله تحقیق، معرفی نظام بانکداری اسلامی و تبیین فرایند تحقق آن است.

## بیان فرضیه

با توجه به وظایف و مأموریت‌های مورد انتظار از نظام پولی و بانکی اسلامی فرضیه اساسی تحقیق این است که نظام پولی و بانکی اسلامی بر اساس نظام و الگوی نظری اقتصاد اسلامی تبیین و محقق می‌شود و عقود اسلامی جزئی از این نظام است و نه کل آن. نظام بانکی وظیفه اصلی خود را با محوریت تسهیل گردش پول و اعتبار برای گسترش



www.SID.ir

Archive of SID

فعالیت‌های مفید اقتصادی و عینیت‌بخشی رشد اقتصادی در جامعه اسلامی ایفا می‌نماید. تحقق‌بخشی این مهم مستلزم تغییر رویکرد از جزئی‌نگری در چارچوب عملیات بانکداری بدون ربا به رویکرد مبتنی بر فقه نظریه و فقه نظام‌سازی است تا بر این مبنا بتوان کلیت نظام پولی و بانکی را در چارچوب نظام اقتصادی اسلامی و نظام تشریع و قانونگذاری اسلامی تبیین و تفسیر کرد. این مهم با به‌کارگیری روش‌شناسی فقه کل‌نگر در حوزه فقهی و روش تحلیلی در حوزه نظام‌سازی اقتصادی اسلامی است.

## آسیب‌شناسی

بحران جهانی ۲۰۰۷–۲۰۰۸ و پیامدهای مضر اقتصادی و اجتماعی آن و شکست اقدامات سیاسی برای یافتن پاسخ مسئله بحران، شواهد کافی به دست می‌دهد که بگوییم مشخصه‌های بحران مالی جهانی با مشخصه‌های یک سیستم مالی پیچیده تطابق دارد. علاوه بر رخدادهای تکراری در سیستم، افزایش فقر و توزیع نامناسب ثروت در این نظام نیز از نتایج این سیستم است که پیامد مهم آن نااطمینانی است. طرح این مسئله که تأمین مالی مبتنی بر بهره با فرایندی سیستمی منجر به بی‌ثباتی می‌شود اولین بار در سال ۱۹۳۰ توسط *کینز* و بعد از آن توسط *موریس آله* (Allais & Mirakhor, 2012) مطرح گردید. بر اساس نظریه *کینز* تمرکز بر مکانیزم نرخ بهره موجب دو مسئله مهم در نارسایی سیستم مالی می‌گردد که عبارت‌اند از: ۱. توزیع ثروت؛ ۲. ناتوانی سیستم در ایجاد اشتغال کامل (Askari & et al, 2011, p.209).

*کینز* معتقد بود مکانیزم بهره عامل ایجاد یک تغییر هولناک در کل سیستم است. حقیقتی که می‌توان از بررسی و تحلیل داده‌های تاریخی مربوط به بحران‌های اخیر به دست آورد این است که پتانسیل ایجاد بی‌ثباتی در مکانیزم نرخ بهره و رشد بدهی در کل اقتصاد مشهود است.

در سال ۱۹۲۰ یک ریاضیدان و فیلسوف جوان به نام *رمزی* (Ramsey, 1928, pp.543-559) مقاله‌ای را به منظور بررسی رابطه بین نرخ بهره تعیین‌شده توسط بازار و نرخ رشد منتشر کرد. این مقاله تا دهه ۱۹۶۰ نادیده گرفته شد. او در این مقاله از سه نرخ جمعیت، نرخ بهره بازار و نرخ رشد اقتصادی استفاده کرد و نتیجه از این قرار بود که اگر نرخ رشد



www.SID.ir

Archive of SID

اقتصاد بر دیگر نرخ‌ها پیشی بگیرد اقتصاد رشد خواهد کرد و یک وضعیت باثبات موقعی رخ خواهد داد که هر سه نرخ در یک وضعیت تعادلی باشند. اگر نرخ بهره تعیین‌شده توسط بازار از نرخ رشد اقتصاد و نرخ رشد جمعیت سبقت بگیرد فعالیت‌های اقتصادی وارد یک چرخه حلزونی پیچ‌درپیچ می‌شوند. در این زمینه مسئله مهمی که درخور توجه می‌باشد این است که نرخ بهره‌ای که بانک مرکزی به‌صورت مصنوعی تعیین می‌کند منجر به ایجاد اختلال در بازارهای مالی خواهد شد و بحران اخیر، این مسئله را به‌وضوح آشکار کرد.

سؤالی که مطرح است این است که آیا جایگزینی برای این نظام وجود دارد؟ امروزه مهم‌ترین مشکلی که اقتصاد جهانی با آن روبه‌روست، افزایش افسارگسیخته بدهی و مهم‌تر از آن ریسک پرداخت بدهی‌های دولتی است. ریسک پرداخت بدهی‌های دولتی نه‌تنها در طولانی‌مدت تأثیر نامطلوب در ایجاد رکود اقتصادی گذاشته بلکه از طریق سرایت به سایر بخش‌ها نیز می‌تواند به بخش‌های دیگر نظام مالی آسیب برساند. با توجه به شرایط حاکم بر رشد اقتصادی، توانایی بازپرداخت بدهی مشکوک است و این نکته نیز جالب است که ۷۵ درصد از ابزارهای مالی دنیا نیز بدهی‌محورند (IMF Report, 2017)؛ بنابراین توجه به نظام مالی که بر اساس نرخ بهره نباشد راه‌حل مناسبی خواهد بود. البته این مسئله به عنوان یکی از اصول موضوعه‌های سیستم اقتصادی جایگزین است.

معرفی رویکردی بدیل برای سیستم مبتنی بر بهره اول‌بار توسط مرحوم شهید *صدر*ﷺ در کتاب **البنک اللاربوی فی الاسلام** معرفی گردید؛ اما ایشان این سیستم را با این پیش‌فرض مطرح می‌کند که نظام حاکم یعنی نظام اقتصادی حاکم نظامی مبتنی بر اقتصاد متعارف و غیر اسلامی است. این رویکرد مبنای اصلی رویکرد بانکداری بدون ربا در ایران با تصویب قانون عملیات بانکداری بدون ربا در سال ۱۳۶۲ بوده است؛ اما این رویکرد دارای اشکالات زیادی است که به برخی از آنها به شرح زیر اشاره می‌شود:

بنیادی‌ترین مسئله در رابطه با تدوین قانون عملیات بانکی بدون ربا در ایران آن است که عملیات بانکی در این قانون در قالب یک نظام اقتصادی ملاحظه نشده است. نظام اقتصادی ترکیبی از مبانی، سازوکارها و روابط بین متغیرها بر اساس اهداف آن نظام می‌باشد. این نظام مشتمل بر بانک مرکزی، شبکه بانکی، نهادهای قانونی، نظارتی، کنترلی،



www.SID.ir

Archive of SID

رگولاتوری، نظامات حسابداری و حسابرسی و مالیاتی، ثبت، دولت و زیرساخت‌های نرم‌افزاری و همچنین سازوکار تعیین قیمت و ... می‌باشد. حال آنکه قانون بانکداری بدون ربا فقط به رفتار بانک‌ها و به‌ویژه به بیان روابط حقوقی در قراردادها پرداخته است. این قانون در چارچوب یک الگوی نظری جامع تحلیل و تدوین نشده و دارای پشتوانه نظری و الگوی عملی نمی‌باشد. نظام بانکی و در رأس آن قانون باید در یک نگاه سیستمی ذیل مباحث نظام اقتصادی پیگیری گردد و به علاوه دارای پشتوانه علمی باشد. بر این مبنا این قانون با مفروض گرفتن علم اقتصاد متعارف و پذیرش سازوکار و رفتار نظام بانکی متعارف به تغییر روابط حقوقی در چارچوب موازین فقهی اسلام همت گماشته است. بر این اساس اولین اشکال وارده به قانون این است که در فصل اول قانون بانکداری بدون ربا اهداف و وظایف نظام بانکی در جمهوری اسلامی ایران بحث می‌شود که در ماده یک به استقرار نظام پولی و اعتباری بر مبنای حق و عدل ـ با ضوابط اسلامی ـ به منظـور تنظـیم گـردش صحیح پول و اعتبار در جهت سلامت و رشد اقتصادی کشور تأکید شده است؛ ولی هیچ‌گونه سازوکاری برای ابتنای نظام بانکی در چارچوب دو واژه کلیدی «حق» و «عدل» ارائه نشده است؛ همچنین متأسفانه هیچ نوع بیان نظری برای تبدیل این دو معیار به سنجه‌های کاربردی در مسیر قانون مشاهده نمی‌شود. واقعیت این است که این معیارها برای اجرایی‌شدن نیاز به قانون جامع و یکپارچه‌ای دارند تا همه رفتار نظام پولی و بانکی ـ و نه فقط بانک‌ها ـ از قبیل سازوکار تعیین نرخ‌های سود سپرده‌ها و تسهیلات و معیارهای تجهیز و تخصیص منابع را در چارچوب این دو اصل تبیین کنند؛ اما در قانون عملیات بانکی بدون ربا از این دو مفهوم مهم به‌صورت اشاره سخن به میان آمده و فقط به بیان ضرورت انطباق کارکرد بانکداری با موازین اسلامی تأکید شده که در واقع در اسلامی‌بودن عقود بانکی خلاصه شده است.

تعیین دستوری نرخ سود بانکی و نرخ تسهیلات پرداختی به مشتریان با واقعیت و نتیجه فعالیت اقتصادی تناسبی ندارد و لذا خلاف معیار «حق» است. در کشور ما با کلیه وجوه به‌صورت یک‌کاسه رفتار می‌شود. نتیجه این رفتار تثبیت نرخ بهره مقطوع در نظام بانکی است که اغلب به ضرر بخش تولید منتهی می‌شود (عیوضلو و کریمی ریزی، ۱۳۹۵).



www.SID.ir

Archive of SID

مسئله دوم آن است که قانون بانکداری بدون ربا متعرض بخش اسمی اقتصاد نشده و رابطه بین بخش واقعی و اسمی تعیین تکلیف نشده، حال‌آنکه این موضوع خود علت اصلی بحران غرب در سال ۲۰۰۸ بوده که ناشی از چند برابرشدن بخش اسمی اقتصاد در مقایسه با بخش واقعی بوده است.

بحث سوم مربوط به بحث نظارت در سیستم بانکی است. در بانکداری متعارف امروز برای انواع نظامات بانکداری حوزه‌های تخصصی نظارت وجود دارد و در چارچوب این حوزه‌های نظارتی عملیات بانکی تعریف و استانداردسازی می‌شود؛ اما در کشور ما، ساختار نظارت بر بانک‌ها به‌صورت بسیار ساده آن و از طریق بانک مرکزی تعریف شده و در مقابل با توجه به ناکارایی این نوع سیستم ساده نظارتی، انواع دستگاه‌های نظارتی موازی رشد کرده و بر اثر کارکرد غیرحرفه‌ای این نهادهای نظارتی کارکرد نظام بانکی مختل گردیده است. علاوه بر این، در این قانون نظارت شرعی دیده نشده است. قطعاً می‌بایست در قانون جایگاهی برای نظارت از حیث اصول و مبانی شرعی تعریف گردد تا این نهاد بتواند معاملات و ابزارها، آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌ها و قراردادهای بانکی را با موازین شرعی تطبیق دهد. اکثر بانک‌های فعال اسلامی در دنیا توسط نهادهای گوناگون چون شورای تخصصی فقهی، شورای فقهی، شورای شریعت، کمیته شریعت به موضوع نظارت پرداخته‌اند (موسویان و میسمی، ۱۳۹۳)؛ اما در نظام بانکداری ایران نهاد مشخصی مسئولیت نظارت شرعی را به عهده ندارد و نتیجه این شده است که در موارد گوناگونی عملکرد بانک‌های کشور با اصول بانکداری اسلامی مطابق نباشد.

مسئله یا بحث چهارم تعمیم نیافتن قانون بانکداری بدون ربا به رفتار بانک مرکزی به عنوان نهاد سیاست‌گذار و مقام ناظر پولی است. این موضوع سبب شده طی این مدت بانک مرکزی در حریم امنی قرار گرفته و کسی متعرض رفتار این نهاد مهم نشده و به همین جهت شاهدیم همواره این نهاد تحت تأثیر سیاست‌های مالی دولت قرار گرفته که نتیجه آن کاهش ارزش پول و بی‌ثباتی آن بوده است.

بحث پنجم مشکلاتی است که ما در انطباق قانون عملیات بانکی بدون ربا با آن روبه‌رو هستیم. به عبارتی قانون از طریق عقود خواسته است مشکلات موجود را حل



www.SID.ir

Archive of SID

نماید؛ درحالی‌که در بسیاری از موارد مغایرت قانون بانکداری بدون ربا را با سایر قوانین (قانون مدنی، تجارت و ...) می‌توان مشاهده نمود. به عنوان مثال:

۱. پیش‌بینی مقررات قانون مدنی در خصوص لزوم عین بودن مورد رهن و عینی بودن عقد رهن در رهن بانکی.
۲. تعریف ماهیت حقوقی حساب جاری به عنوان عقد قرض بدون بهره و قدرت مضاعف بانک‌ها در خلق پول.
۳. ناقص اجراشدن خرید دین در سیستم بانکی.
۴. در برخی موارد نیازهای اعتباری مشتری با هیچ یک از عقود پیش‌بینی‌شده در قانون تطابق نداشته و از طرفی الزام به جای دادن آنها در قالب‌های یادشده عملاً منتهی به صوری‌شدن قراردادها و عدم تطابق عنوان عقود با محتوای آنها می‌شود.
۵. اجرای عقد مشارکت در نظام بانکی بدون در نظر گرفتن نهادهای مکمل و سازوکار اجرایی آن از جمله مؤسسه امین و شرایط وثیقه‌گیری تعریف شده و علاوه بر این، اجرایی‌سازی این عقود مستلزم شرکت‌داری بانک‌ها می‌باشد که با مخالفت بانک مرکزی و مجامع بانک‌ها روبه‌روست.
۶. سکوت قانون در مورد وجه التزام و چگونگی محاسبه و پرداخت آن و نامعین بودن تکلیف در خصوص مواردی که افراد به‌طور غیرمجاز از تسهیلات بانکی استفاده نموده یا تسهیلات را در غیر موارد تعیین‌شده مصرف می‌نمایند.
۷. ضمانت‌نامه‌های بانکی سال‌هاست که در سیستم بانکی صادر شده و به نحو فزاینده‌ای از آن استفاده می‌شود؛ ولی قانون خاصی که این نهاد را تعریف کرده و احکام و شرایط آن را بیان نموده و در خصوص آثار آن تعیین تکلیف نماید، وجود ندارد و به همین خاطر در دادگاه‌ها هم در این موضوع تشتت آرا وجود دارد.
۸. موضوعات مربوط به اعتبارات اسنادی به عنوان یک نهاد بین‌المللی، در برخی موارد در دادگاه‌ها مطرح شده و لازم است قانون، مقررات حاکم را بیان کرده و چگونگی اقدام دادگاه‌ها را در مواجهه با دعاوی و اختلافات راجع به آن مشخص کند.
۹. سال‌هاست که بانک‌ها به عنوان یک خدمت جدید بانکی در ارتباط با اوراق مشارکت، خدماتی را به اشخاص دخیل در آن ارائه می‌دهند؛ ولی در مقررات



www.SID.ir

Archive of SID

بانکداری در این خصوص تعیین تکلیف نشده است و از طرفی ایجاد نهاد جدیدی تحت عنوان اوراق رهنی مبتنی بر تسهیلات بانکی که در آنها فقط بانک‌ها دخیل و درگیر هستند، لزوم وضع مقرراتی را در این زمینه توجیه می‌نماید.

مسئله دیگر سکوت قانون و سکوت رویکرد بانکداری بدون ربا در باب تأثیر عینی اجرای قانون در عینیت اقتصاد کشور است. اجرای عملیات بانکداری بدون ربا در پی تحقق چه دستاوردهایی بوده و هدف اقتصادی از اجرای آن چه بوده است؟ در دنیای امروز این نوع اهداف در متن قوانین حاکمیتی به روش‌های مختلف مطرح شده و همین مبانی موجبات اجرای صحیح قوانین و دستورالعمل‌ها را فراهم می‌سازد. اساساً امکان درج احکام همه رفتارهای نهادهای اجرایی در قوانین و آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌ها میسر نیست؛ اما تحقق‌بخشی اهداف اصلی خود از عناوین مهمی است که با توجه‌دادن به این مهم می‌توان مبنای محکمی برای نهادهای نظارتی و قضایی فراهم ساخت.

بنابراین با بررسی قانون عملیات بانکداری بدون ربا درمی‌یابیم که این قانون تنها بر حذف ربا از سیستم بانکی تأکید داشته؛ اما در خصوص ساختار و سازوکار اجرایی این هدف مهم ورودی نداشته است. با تکیه بر این قانون که تنها با محوریت حذف ربا نگارش شده است، بانک و نظامات آن به‌طور جامع مطرح نشده و تنها می‌توان قراردادها را از نظر انطباق با احکام فقهی متعارف بازبینی نمود. حال آنکه بانکداری اسلامی به معنای کامل آن نیازمند تدوین قانون با دغدغه نفی ربا، نفی غرر، نفی غبن، منع ضرر، منع اسراف و به‌طورکلی بر اساس تحقق اصول و مبانی اسلام می‌باشد.

مرحوم شهید *صدر*ﷺ این نوع آسیب‌شناسی و بیان مشکلات جزءنگری را در کتاب **الاسلام یقود الحیاة** مطرح نموده است. ایشان در این کتاب به بحث مهمی اشاره دارد و متذکر می‌شود که بررسی موضوع بانک از دو حیث است:

هنگامی که به بررسی فعالیت نخست و اصلی بانک می‌پردازیم، پی می‌بریم که در این فعالیت ترکیبی از دو وظیفه است: وظیفه اول، وظیفه واقعی است که به اهداف رشد اقتصادی و به عبارت دیگر به کارکرد سرمایه به معنای علمی و عینی آن مربوط است. وظیفه دوم، وظیفه مکتبی است که به چارچوب سرمایه‌داری به عنوان پایه مکتبی اقتصاد در جوامع سرمایه‌داری مرتبط است؛ به عبارت دیگر، این وظیفه به کارکرد سرمایه به معنای



www.SID.ir

Archive of SID

مکتبی آن مربوط است؛ بین ایـن دو وظیفـه ارتبـاط ارگانیـک وجـود دارد (صـدر، ۱۳۹۳، ص۲۳۴).

سپس ایشان ضمن معرفی رویکرد بانکداری اسلامی ـ به جای بانکداری بدون ربا ـ در نقد بانکداری متعارف می‌نویسد:

روشن است که اسلام بانک سرمایه‌داری را به‌صورتی که توضـیح دادیـم تأییـد نمـی‌کنـد؛ چراکه بانک سرمایه‌داری اولاً با احکام شریعت اسـلامی و قـانون مـدنی فقـه اسـلامی کـه قرض بهره‌ای را حرام می‌کند، تناقض دارد؛ ثانیاً با اصول اقتصاد اسلامی و روح عمومی آن در توزیع و به‌کارگیری ثروت در تناقض است. بر این اساس اندیشه «بانک بـدون ربـا» بـه منظور ارائه الگوی عملی بانک اسلامی باشد مطرح شد (همان، ص۲۳۹)؛ اما ایشان بین دو رویکرد، رویکرد کسی که می‌خواهد بانکداری بدون ربا را در ضمن یک برنامه‌ریزی جامع برای جامعه اسلامی طراحی کند و رویکرد فرد دیگری که قصد دارد بانـک اسـلامی را بـه صورت مستقل از دیگر جنبه‌های جامعه طراحی کند، فرق قائل می‌شـود و رویکـرد اول را در تطبیق با مکتب اقتصادی اسلام و روح اقتصاد اسلامی ترجیح می‌دهد (همان، ص۲۴۰).

بنابراین شهید *صدر*ﷺ تحلیل اصلی خود را فقط به معرفی راه‌حل جایگزین در دل نظام سرمایه‌داری محدود نکرده است بلکه با تکیه بر اصول اقتصاد اسلامی به تبیین آثار تکاثری بهره‌گیری از نهاد بانک در نظام سرمایه‌داری نیز پرداخته از جمله اینکه این نوع بانکداری را در جهت تقویت مالکیت‌های خصوصی بزرگ و عدم تحقق رشد اقتصادی فراگیر و رفاه عمومی نیز دانسته است.

اگر بخواهیم با رویکرد سیستمی، سیستم پول و بانکداری اسلامی را بنا بر آنچه گفته شد توصیف کنیم و توضیح دهیم ابتدا لازم است به جهت ضرورت توجه به سیستم‌ها و نظام‌های جانبی آن، این بحث در داخل سیستم جامع‌تری یعنی در داخل سیستم یا الگوی اقتصادی اسلام توضیح داده شود و با نگاه کل به جزء و در چارچوب نظریه اقتصاد اسلامی به روش تحلیل سیستمی به تبیین آن پرداخته شود. به همین منظور لازم است اصول و مؤلفه‌های حاکم بر نظام بانکداری اسلامی و عناصر کلیدی آن مشخص گردد.



www.SID.ir

Archive of SID

## روش‌شناسی

این مقاله ضمن مبنا قراردادن رویکرد و نظرات مرحوم شهید *صدر*ﷺ در کتاب **الاسلام یقود الحیاة** نظام‌سازی و تبیین نهاد اسلامی را با ملاحظه محورهای ذیل مد نظر قرار می‌دهد.

۱. شهید *صدر*ﷺ معرفی الگوی بانکداری اسلامی را با دو موضع قابل بحث می‌داند: در موضع اول، بانک اسلامی جزئی از الگوی کلی اسلامی تصویر می‌گردد. در موضع دوم، الگوی بانک اسلامی به‌طور مستقل از سایر جوانب جامعه یعنی با فرض استمرار واقعیت فاسد و چارچوب اجتماعی غیر اسلامی و بقای سایر مؤسسات ربوی همچون بانک‌ها و غیره و شیوع نظام سرمایه‌داری از حیث محتوا و روح در زندگی اقتصادی و زندگی فکری و اخلاقی مردم استقرار می‌یابد؛ اما این متفکر بزرگ شیعه در نهایت در این کتاب موضع اول را به عنوان موضع شایسته و صحیح انتخاب می‌کند.

۲. شهید *صدر*ﷺ تحلیل بانک و نقش سرمایه در نظام سرمایه‌داری را با ملاحظه دو جنبه مهم یعنی به لحاظ عینی و به لحاظ مکتبی مطرح می‌کند و در مرحله بعدی نیز به معرفی بانک اسلامی با ملاحظه این دو جنبه می‌پردازد؛ بنابراین معرفی بانک اسلامی نیز با ملاحظه این دو جنبه انجام می‌شود. به لحاظ عینی همان‌طور که آن شهید اشاره دارد تحلیل بانک اسلامی باید با اصول اقتصاد اسلامی هماهنگ باشد و در مسیر رشد اقتصادی در بخش واقعی اقتصاد به کار گرفته شود و لذا می‌توان بدون ملاحظه تأثیر تصمیم‌گیری تأمین مالی در بخش بانکی در کلیات اقتصاد کشور تنها بر صحت شرعی عقود که بخشی از شرط اول است اتکا نمود؛ ازاین‌رو ایشان در این کتاب فقط الگوی بانکداری اسلامی دولتی را می‌پذیرد که متضمن ایفای مسئولیت دولت در اقتصاد باشد.

۳. شهید *صدر*ﷺ بیان می‌دارد: بانک متعارف غربی به دو دلیل عدم انطباق با موازین شرعی و عدم انطباق با اصول اقتصاد اسلامی در جامعه اسلامی قابلیت کاربرد ندارد؛ بنابراین لازم است الگوی بانک اسلامی در چارچوب موازین شرعی و اصول اقتصاد اسلامی ترویج شود؛ ازاین‌رو این مقاله با همین روش و در همین



www.SID.ir

Archive of SID

چارچوب و با مبنا قرار دادن مبانی مورد اشاره از سوی ایشان به تبیین مبانی و جهت‌گیری‌های اساسی نظام پولی و بانکی اسلامی می‌پردازد.

۴. ایشان در کتاب **الاسلام یقود الحیاة** تکیه زیادی به عقود نکرده و بر عکس به قالب‌های محدودی از عقود اسلامی از قبیل عقد قرض و مضاربه تأکید دارد؛ اما در عوض ایشان از لزوم تبعیت نهادها و نظام‌ها از روح عمومی قانونگذاری اسلامی سخن می‌راند. این سخن با توجه به اینکه ایشان از بنیان‌گذاران فقه نظریه است بر ضرورت تطابق نهادها و نظام‌ها از قواعد کلی نظام اقتصادی به روش فقه نظریه تأکید دارد. فقه نظریه، روش اجتهادی بدیعی در متون فقهی است که با هدف کشف نظریات بنیادی اسلامی در عرصه‌های گوناگون چون اقتصاد، حقوق، سیاست و غیره دنبال می‌شود. این روش نوین از ابداعات شهید *صدر*ﷺ می‌باشد (غفوری، ۱۴۲۱ق، ص۱۲۲). محقق فقه نظریه، به دنبال قوانینی کلی در عرصه‌های یادشده است تا به این وسیله فقه را از چارچوب احکام خُرد و فردی رها کرده، وارد عرصه‌های کلان اجتماعی نماید. اساس فقه نظریه بر این تفکر استوار است که احکام شریعت، اگرچه در ظاهر جدا و منفرد به نظر می‌رسند، اما در واقع با هم مرتبط بوده و از یک نظریه منسجم و متقن سرچشمه گرفته‌اند؛ به عبارت دیگر، هر حکمی به‌صورت منفصل از سایر احکام جعل نشده و شارع مقدس بر اساس یک مجموعه خطوط کلی، به جعل احکام پرداخته است. وظیفه فقه نظریه یا فقه نظریات، کشف این خطوط کلی است تا در امتداد آن چارچوب کلان اقتصادی، حقوقی، سیاسی و اجتماعی اسلام مشخص گردد. نظام اسلامی نیازمند آگاهی و اشراف بر خطوط کلان اسلام در عرصه‌های گوناگون زندگی است تا بر اساس آن بتواند به برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری بپردازد. فقه نظریات، می‌تواند با کشف این نظریات، فرایند نظام‌سازی را یاری کرده و روش اولیه برای ورود به مباحث فقه حکومتی تلقی گردد (همان، ص۱۳۶). در این روش اجتهادی، نظریات عمومی اسلام در عرصه‌های گوناگون به‌صورتی تنظیم می‌شود تا احکام فرعی به ظاهر متفرق را هماهنگ کند و از این رهگذر، دستیابی به قوانین اداره زندگی به‌صورت یک نظام پیوسته و منسجم میسر گردد. «فقه



www.SID.ir

Archive of SID

نظریات» از جهات متعددی با فقه متعارف تفاوت دارد. موضوع فقه متعارف، افعال مکلفین است؛ درحالی‌که موضوع فـقه نـظریات، قضایای بنیادینی است که اساس مکتب اقتصادی، سیاسی و اجتماعی اسلام را شکل می‌دهد. فقیه در فقه متعارف، به دنبال تحصیل حجت است؛ درحالی‌که محقق فقه نظریه، به دنبال کشف خـطوط کـلی حـاکم بر احکام به ظاهر مـتفرق اسـت.

۵. در این مقاله بر روش‌های بدیل فقهی جدید همچون فقه نظریه، فقه حکومتی، فقه اکبر یا فقه کل‌نگر که به عنوان روش‌های فقهی کلان‌نگر که بر اساس آن امکان نظام‌سازی حاصل می‌شود اتکا شده است و روش فقهی جزءنگر در بررسی و تحلیل نظام پولی و بانکی ناکارآمد دانسته شده است. بر اساس روش فقهی کل‌نگر ابتدا باید عناصر و اصول اساسی نظام‌سازی اسلامی به قدر کفایت از قرآن و سنت استخراج شوند و بر این اساس اهداف و الزامات نظریه مشخص شود تا در ارزیابی رفتار و سازوکار یک نهاد یا زیرنظام دچار جزءنگری نشویم. به بیانی دیگر، بر این اساس روش قیاسی مقدم بر روش استقراست. البته این مطلب نافی آن نیست که قواعد کلی از روش استقرا از آرای فقهی نیز مشابه روش شهید *صدر*ﷺ در فقه نظریه مستفاد شوند.

۶. علاوه بر روش فقهی که به عنوان نگاه مکتبی از منظر شهید *صدر*ﷺ مطرح شده برای کشف اصول اقتصاد اسلامی که در منظر دوم از نگاه ایشان مطرح شده در این مقاله از «روش تحلیلی» (Analytical Approach) که یکی از قوی‌ترین روش‌های تحلیل نظام‌ها یا نظام‌سازی است استفاده شده است. این روش حرکت از ظاهر به باطن و از باطن به باطنی عمیق‌تر است و به این وسیله می‌توان به جوهره دست یافت. مشابه این بحث می‌توان به روش برنامه‌های پژوهشی *لاکاتوش* اشاره کرد که ابتدا به تبیین هسته سخت و کمربند حفاظتی نظریه‌ها می‌پردازد و سپس نظریه‌ها را بر اساس راهبرد نظری و پیش رو یا پس روی نظری و تجربی بررسی و تحلیل می‌کند. در هر حال توجه به عینیت اقتصادی و بررسی تأثیرگذاری راهبردها، سیاست‌ها و رفتارها در بخش واقعی اقتصاد از مهم‌ترین الزامات اثربخشی و موفقیت الگوها در عرصه عمل مورد تأکید است؛



www.SID.ir

Archive of SID

بنابراین اگرچه در استنتاج اصول اقتصاد اسلامی به وضعیت ایدئال و مطلوب اسلامی توجه می‌شود؛ اما الگوی موفق اجرایی الگویی است که در عمل نیز نتیجه‌بخش باشد؛ لذا به‌کارگیری روش‌های برنامه‌ریزی راهبردی و آینده‌پژوهی نیز در این مرحله مهم و واجد تأکید است.

۷. مبنای اصلی اصول اقتصاد اسلامی از ارکان و هسته سخت نظریه‌های اقتصاد اسلامی به شرح سه رکن اصلی ذیل استخراج می‌شود:

الف) موارد از قبل یقین فرض‌شده (Presumptions): این موارد از جهان‌بینی و هستی‌شناسی حاکم در هر عرصه پژوهشی استخراج می‌شوند که بر اساس موضوع بحث ما که عرصه اقتصاد اسلامی است این موارد مبتنی بر اصول تکوینی و جهان‌بینی اقتصادی اسلام است.

ب) قضاوت‌های ارزشی (Value Judgements): رکن دوم هر نظریه علمی را شرایط وقوع رفتار تشکیل می‌دهد. برخی از این شرایط را می‌توان در چارچوب تعدادی گزاره‌های ارزشی (Normative) توضیح داد. این گزاره‌های ارزشی توضیح‌دهنده نظام اخلاقی، موازین و مقررات و نهادهای پذیرفته‌شده در آن جامعه می‌باشند. مشابه این گزاره‌ها را می‌توان در چارچوب نظام تشریعی اسلام بازسازی نمود.

ج) قضایای اثباتی (Positive Statements): رکن سوم نظریه‌های علمی را مجموعه فرضیه‌ها، قوانین و روابط قابل آزمون تجربی و ابطال تشکیل می‌دهند در واقع این نظریه‌ها بخش اصلی علم را تشکیل می‌دهند. این روابط میان متغیرهای مورد بررسی رخ می‌دهد که بخشی از آنها برون‌زا و بخشی دیگر درون‌زا می‌باشند. عادتاً به این رکن بیش از دو رکن قبلی تأکید می‌شود از این جهت که این مجموعه مستقیماً هدف و دستاوردهای علم را نشان می‌دهد. در عرصه اقتصاد اسلامی نیز مجموعه قضایا و روابط و فرضیه‌های ناظر به واقع اقتصاد، رکن سوم اقتصاد اسلامی را تشکیل می‌دهند (عیوضلو، ۱۳۸۷، ص۱۴۳-۱۴۵).



www.SID.ir

Archive of SID

## اصول اقتصاد اسلامی

بر اساس ارکان گذشته می‌توان جوهره اقتصاد اسلامی و اصول بنیادین آن را از سه رکن یادشده با سه مفهوم کلیدی حق، عدل و قوام استخراج نمود:

- **حق و عدل**

بر اساس پژوهش‌های مختلف دو معیار «حق» و «عدل» به عنوان دو مبنای اصلی نظام‌سازی و تنظیم روابط در نظام بانکداری اسلامی شناخته می‌شوند. «حق» در مقابل «باطل» به معنی انتساب به امر حقیقی و وجودی است. حق مال به معنای استفاده صحیح از مال است که منجر به رشد و نمو ثروت در جامعه می‌شود. «حق» بیانگر برنامه و کتاب آفرینش است که تجلی آن در اصول تکوینی بیان می‌شود و «عدل» بیانگر جوهره نظام تشریعی اسلام است که در تبیین اصول تشریعی به آن پرداخته می‌شود. این تعبیر به بیان روشن‌تر دیگری در آیه ۲۵ سوره حدید آمده است:

لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَنصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ: هر آینه پیامبرانمان را با حجت‌های روشن و هویدا فرستادیم و با ایشان کتاب ـ که وسیله تمییز حق از باطل است ـ و ترازو فرو فرستادیم تا مردم به داد و انصاف برخیزند و آهن را فرود آوردیم که در آن نیرویی سخت ـ سلاح و وسایل کارزار و مانند آن ـ و سودهایی [دیگر] برای مردم است و تا خدا کسی را که او و پیامبرانش را به نادیده یاری می‌کند بازشناسد. همانا خدا نیرومند و توانای بی‌همتاست.

در عین حال بر اساس اصل تشریعی «تبعیت نمو از اصل» ارزش افزوده مکتسبه افراد و عواملی که در تولید ارزش افزوده مشارکت دارند باید به آنان بازگردد تا مصداق آیه ۸۵ سوره هود «وَ لا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْياءَهُمْ وَ لا تَعْثَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ» واقع نشویم.

از سوی دیگر «عدل» نهادهای اقتصادی جامعه را در یک وضعیت بایسته از حیث اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی قرار می‌دهد و روابط بین نهادها را تعیین می‌کند ازآنجاکه نظام تکوین بر مبنای حق و عدل قرار دارد، هرگونه تصرف انسان‌ها بر اموال باید مبتنی بر حق و عدل باشد؛ ازاین‌رو نظام بانکداری اسلامی مبتنی بر نظام اقتصادی اسلامی نیز موصوف به این وصف است و از همین جوهره تبعیت می‌کند.



www.SID.ir

Archive of SID

### قوام

اقتصاد اسلامی و نهادهای مرتبط با آن به یک جهت مشخص توجه دارند، همه فعالیت‌های عوامل و کارگزاران اقتصادی در این مسیر در طول مأموریت تکوینی برای عمران و آبادانی در زمین و ایفای رسالت توحید افعالی معنی و جلوه می‌یابند. بر اساس دلالت آیه ۵ سوره نساء «وَ لَا تُؤْتُواْ السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا» یکی از ویژگی‌های بایسته و حق مال در جامعه آن است که اموال سبب استواری و «قوام» جامعه شوند؛ لذا اقتصاد اسلامی یک اقتصاد قوام‌یافته است. در این اقتصاد ثروت رشد و نمو دارد و ارزش افزوده حقیقی ایجاد می‌شود و عمران در جامعه افزایش می‌یابد. به تعبیر شهید *مطهری*﵀ ثروت به عنوان یگانه عامل مادی، در این اقتصاد از «رشد و نمو» برخوردار است و بر قدرت اقتصادی جامعه افزوده می‌شود به تعبیری، «حقّ» مال در آن ایفا می‌گردد. اقتصاد اسلامی و به تبع آن نظام بانکداری اسلامی از مصادیق «اقتصاد سالم» است (ر.ک: عیوضلو و حسینی، ۱۳۸۵)؛ لذا بانکداری اسلامی شیوه‌ای از فعالیت اقتصادی را به دنبال دارد که جریان چرخش سرمایه و وجوه نقدی در آن به نحوی باشد که بر ثروت که یگانه وسیله مادی و پایه‌ای از پایه‌های زندگی است، بیفزاید و قدرت مالی را در تحصیل وسایل مادی و معنوی زندگی مضاعف کند و به‌طور خلاصه قوام‌بخش باشد.

به عنوان نتیجه نظری از مباحث فوق سه معیار «حق» و «عدل» و «قوام» مبنای نظام‌سازی و تنظیم روابط در نظام بانکداری اسلامی معرفی می‌شوند. «حق»، مشروعیت برخورداری‌ها و تعلق مالکیت را نشان می‌دهد و «عدل»، مشروعیت روابط مالی را در مرحله انتقال اموال تحقق می‌بخشد. نهاد عدالت خود یک نهاد و سیستمی است که در آن هر جزئی و از جمله آحاد افراد باید در جایگاه صحیح خود قرار گیرند تا با انجام کار صحیح به روش صحیح، عمل صالح را در جامعه محقق سازند. با تحقق حق و عدل در جامعه اسلامی «قوام اقتصادی» در حوزه تولید و مصرف و نظام تصمیم‌گیری و تعاملات فردی و جمعی در روابط افراد و گروه‌های جامعه با یکدیگر و با طبیعت و اموال و دارایی‌ها شکل می‌گیرد که جایگاه شایسته اموال و دارایی‌ها را در سیستم اسلامی و نهادهای آن نشان می‌دهد. این جوهره بنیاد بانکداری اسلامی را تشکیل می‌دهد و بر این اساس اصول اساسی در بانکداری اسلامی را می‌توان احصا نمود.



www.SID.ir

Archive of SID

## اصول و مشخصه‌های اصلی نظام پولی و بانکی اسلامی

مهم‌ترین خروجی تسرّی و تعمیم اصول اقتصاد اسلامی در نهاد بانکداری اسلامی را می‌توان در جوانب نظری زیر تبیین نمود:

### ۱. ثبات پول در چارچوب نظام پولی و مالی اقتصاد اسلامی

از جمله محوری‌ترین مصادیق و نهادهای عدالت اجتماعی در جامعه «پول» است که قوام آن نشانگر قوام اجتماعی جامعه و کاهش ارزش آن نشانه‌ای از گسیختگی قرارداد اجتماعی است. مهم‌ترین قرارداد اجتماعی در یک جامعه مدنی حفظ ارزش پول جامعه است که در اثر آن کلیه میزان‌ها و مبادلات بر مبنای معیار قابل اعتماد و مورد وثوقی تعریف می‌شود وگرنه چنانچه این معیار دچار کاهش ارزش و تباهی شود کلیه معاملات و قراردادها در سطح جامعه تحت تأثیر واقع شده و دارای شبهه می‌شوند.

به همین جهت است که امام *سجاد*ؑ از ما خواسته است که «مال» را از موضع اصلی و تعریف‌شده‌اش خارج نکنیم: «لَا تُحَرِّفَهُ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَ لَا تَصْرِفَهُ عَنْ حَقَائِقِه» (حرانی، ۱۳۹۴، ص۱۹۱): آن (مال) را از موضع و جایگاه «بایسته‌اش» منحرف نکن و از حقیقت آن خارج مساز و یا در روایت امام *صادق*ؑ گفته شده است: «بِهَا تَسْتَقِيمُ شُئُونُهُمْ وَ مَطَالِبُهُم» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۶۳، ج۹، ص۲۸۵): به وسیله «پول» امور و خواسته‌های مردم برپا می‌گردد.

بانک مرکزی و دولت به عنوان مهم‌ترین رکن تأثیرگذار در یک نظام اقتصادی مسئول حفظ ارزش پول ملی و قوام آن هستند و هرگونه انحراف از این موضع از طریق عملیات ربوی، خلق پول به مقاصد سفته‌بازانه، تصرف تعریف‌نشده در سپرده‌های مردم و استفاده ناکارآمد و در غیر موضع اقتصادی و سفیهانه از این اموال سبب کاهش ارزش و تباهی پول و اضرار عمومی در جامعه می‌گردد که با اصول تشریعی اقتصاد اسلامی مغایرت دارد. به همین ترتیب، هرگونه تصرف‌های غیراصولی دولت در نظام اقتصادی که موجد تورم و کاهش ارزش پول می‌شود در مسیر استفاده غیراصولی و غیرعاقلانه از پول به عنوان قرارداد اجتماعی و نهاد عدالت اجتماعی تعریف می‌شود.



www.SID.ir

Archive of SID

## ۲. رابطه نظام پولی و بانکی با بخش حقیقی اقتصاد

ماهیت نظام پولی و بانکی هرچه باشد نمی‌تواند فلسفه و علت وجودی پول را تغییر دهد. فلسفه پیدایش پول بر این مبنا واقع است که پول به عنوان واسطه مبادله و وسیله سنجش ارزش باشد و قدرت خرید هر فرد را نشان دهد و در نظامی به کار گرفته شود که عزم ملی در جهت حفظ ارزش آن باشد. این مهم حداقل در حد وظیفه و جایگاه پول نزد ائمه معصومین علیهم‌السلام و علمای اسلامی مهم تلقی شده است که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

*غزالی* در کتاب **احیاء علوم‌الدین** می‌فرماید: «**فخلق الله تعالی الدنانیر و الدراهم حاکمین و متوسطین بین سائر الاموال حتی تقدّر الاموال بهما**» (غزالی، ۱۴۰۲ق، ج۴، ص۹۰): اصل خلقت و تعبیه الهی نقدین (طلا و نقره)، به منظور وساطت و ابزار تبادل‌بودن این دو در میان سایر اموال می‌باشد که به واسطه آنها اشیا و اموال تقدیر و اندازه‌گیری می‌شوند و در ادامه می‌افزاید:

> **فاذن خلقهما الله تعالی لتتداولهما الأیدی و یکونا حاکمین بین الاموال بالعدل و لحکمة اخری و هی التوسل بهما الی سایر الاشیاء و لانهما عزیزان فی انفسهما و لاغرض فی اعیانهما و نسبتهما الی سائر الاحوال نسبة واحدة، فمن ملکهما فکانه ملک کل شئ لا کمن ملک ثوباً فانه لم یملک الا الثوب و... و هو فی معناه کانه کل الاشیاء**: پس بنابراین، خداوند تعالی این دو را خلق کرد تا در بازارها و در دست مردم به تداول درآید و در جریان باشد و به عنوان حاکم و داور عادل بین اموال و کالاها قرار گیرد و حکمت دیگر آن است که از طریق آنها، اشخاص به اشیای مورد نظر خود، دسترسی حاصل نمایند؛ زیرا این دو، از فلزات گرانبها و عزیز هستند و اعیان و ذوات آنها، مطلوب بالذات واقع نمی‌شوند و نسبت این دو با اجناس دیگر، یک نسبت واحد می‌باشد و هرگاه شخصی به این دو دست یابد مثل این است که همه چیز را در ملک خود دارد؛ یعنی به سهولت به هر چیزی که اراده کند قابل تبدیل می‌باشد و این‌طور نیست که برای نمونه لباسی یا خوراکی در اختیار او قرار گرفته باشد؛ بلکه پول هرچند یک شیء بیشتر نیست، لیکن به حسب تعریف گویی تمامی اشیاست (همان).

*ابن‌خلدون* مشابه این تعبیر را به این صورت دارد که خداوند این دو سنگ معدنی «زر و سیم» را برای قیمت اشیا و اموال قرار داده است (ابن‌خلدون، ۱۳۵۹، ص۷۵۵).

در روایتی از امام *صادق* علیه‌السلام نیز آمده است: «**هی خواتیم الله فی ارضه جعلها الله مصلحة لخلقه و بها تستقیم شئونهم و مطالبهم**» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۶۳، ج۹، ص۲۸۵): دینار و درهم، مهره‌ها و



www.SID.ir

Archive of SID

زینت‌های خدا در زمین هستند که خداوند آنها را به جهت مصالح خلقتش قرار داد و به وسیله آنها، امور و خواسته‌هایشان برپا می‌گردد.

بنا بر آنچه گفته شد، لازم است پول بر اساس خلقت الهی و حکمتی که در ایجاد آن قرار داده شده است، به عنوان ارزش و وسیله مبادله استفاده شود و هرگونه استفاده دیگر از آن، نقض غرض خواهد بود. مرحوم شهید *مطهری*﵀ تعبیر بسیار حکیمانه‌ای در این باره دارند و می‌فرمایند: «ارزش پول در سلسله معلولات مبادله است. بر خلاف ارزش کالاها که در سلسله علل مبادلات است» (مطهری، ۱۳۶۴، ص۱۷۵).

کاربرد عملی این بحث آن است که عملیات بانکی تسهیل‌کننده معاملات در بخش واقعی اقتصاد باشد نه اینکه نظام بانکی خود بخواهد بر نظام قیمت‌ها سایه افکند و با تشدید تورم و افزایش هزینه‌ها جریان تصمیم‌گیری اقتصادی در بخش واقعی را مختل سازد. به همین جهت است که نظریه‌پردازان بانکداری اسلامی همواره با گسترش بازار پول در اقتصاد اسلامی مخالفت کرده‌اند. بر این مبنا می‌توان گفت جوهره اصلی نظام بانکداری اسلامی آن است که کلیه عملیات بانکی بر مبنای بخش واقعی اقتصاد پایه‌ریزی شود.

بحث فوق بیان از این حکمت و سنت تکوینی دارد که قیمت‌هایی عادلانه‌اند که در بازار حقیقی اقتصاد و بر پایه هزینه‌های مرتبط با کار و تلاش تعیین شوند. فقط در این شرایط است که شایستگی افراد یا عوامل تولید بر اساس معیار «حق» معین می‌گردد.

## ۳. موضوع خلق ارزش از طریق پول

بر اساس معیار «حق» اگر بانک بخواهد از هیچ وام بدهد یعنی بدون اینکه وجهی در اختیار داشته باشد به دیگری وام دهد و بعد به جذب سپرده یا تأمین وجه از روش‌های مختلف اقدام کند نمی‌توان به جواز این نوع خلق پول قائل شد. علتش این است که این عمل بر امر حقیقی انتساب ندارد؛ اما نکته مهمی که در خصوص صنعت بانکداری وجود دارد و نباید از آن غافل شد این است که بانک این مزیت را دارد که می‌تواند پول‌ها و وجوهی را که در اختیار دارد در پروژه‌های مختلف به کار گیرد. تمام وجه یک پروژه به هیچ وجه به‌طور کامل و در شروع پروژه پرداخت نمی‌شود؛ ازاین‌رو بانک با توجه به توانمندی خود در جذب سپرده و مدیریت نقدینگی می‌تواند بر تخصیص این وجوه، مدیریت مناسبی را



www.SID.ir

Archive of SID

اعمال کند و همزمان وجه لازم برای یک پروژه را در چند پروژه به کار بگیرد و از این محل در بخش واقعی، ارزش افزوده خلق کند. به بیان دیگر بانک با بهره‌گیری از توانمندی منحصر به فرد خود می‌تواند به خلق ارزش افزوده حقیقی در بخش واقعی کمک کند و به «قوام» اقتصادی قیام کند. این کار نه تنها مشکلی شرعی ندارد بلکه امر لازم و واجبی است که در صورتی‌که نهادی این توانمندی و اعتبار را داشته باشد لازم است به آن عمل کند. خاصیت مهم این توانمندی خلق ارزش در بخش واقعی است و ازاین‌رو توصیه می‌شود در چارچوب نظارت دقیق و متناسب با نوع فعالیت و مأموریت بانک‌های توسعه‌ای و تخصصی بودجه‌های عمرانی از طریق این بانک‌ها به کار گرفته شود و تخصیص و نظارت بر پروژه‌ها با حفظ نظارت عالیه سازمان برنامه و بودجه از طریق این نوع بانک‌ها تخصیص داده شوند. معنی اقتصادی این پیشنهاد آن است که مبلغ تخصیص‌یافته در بودجه سالانه برای طرح‌های عمرانی از این طریق می‌تواند با استفاده از این روش چند برابر وجه مصوب در بودجه اولیه تخصیص داده شود. این مهم البته اختصاص به بانک ندارد و هر فردی که دارای اعتبار بالایی در میان خریداران و فروشندگان باشد می‌تواند از طریق اعتباری که دارد به خلق اعتبار جدید اقدام کند و حتی بدون گردش پولی کامل و تنها با مدیریت وجوه و با تکیه بر اعتبار خود به خلق ارزش افزوده در بخش واقعی اقتصاد قیام کند. این نوع روش‌ها در بازار اسلامی سابقه زیادی داشته و دارد. برای مثال یک عمده‌فروش معتمد برنج از یک شهر آذربایجان بدون اینکه وجه برنج‌های خریداری شده از یک تولیدی برنج در شمال کشور را بپردازد برنج‌ها را تحویل می‌گیرد و بعد از فروش وجه آن را با لحاظ سود به تولیدی برنج شمال پرداخت می‌کند.

لازم است ذکر شود شهید *صدر*ﷺ در کتاب **الاسلام یقود الحیاة** خلق پول یا فعالیت تجمیع اموال را فقط از طریق بانک دولتی مجاز می‌شمارد (صدر، ۱۴۰۳ق، ص۲۲۰-۲۲۱) و این نوع فعالیت را که بانک از طریق تجمیع اموال خرد به قدرت بالایی دست پیدا می‌کند برای بانک خصوصی جایز نمی‌شمارد.* وی تأکید می‌کند:

*. گفتنی است که ایشان اساساً فعالیت بانک خصوصی را جایز نمی‌داند و علتش این است کـه بـه جهـت همین قدرت مضاعفی که بانک از طریق تجمیع اموال خرد به دست می آورد دارای آثار اقتصادی سـوئی



www.SID.ir

Archive of SID

به جای به‌کارگیری ابزار سرمایه‌داری در تحقق جنبه عینی، بانک در جامعه اسلامی در این عرصه، ابزاری با برچسب اسلامی را به کار می‌گیرد و جامعه به واسطه آن، در چارچوب مکتب اقتصادی و اسلامی و مطابق با مقوله‌های زندگی اسلامی، به منافع عینی فعالیت بانکداری در زندگی اقتصادی دست می‌یابد. این مطلب در حقیقت از تحول بزرگی در طبیعت فعالیت بانکداری حکایت می‌کند (همان، ص۲۲۰).

در واقع هرگونه فعالیت بانک اسلامی بالضروره باید به قوام اقتصادی منجر شود و گرنه فعالیت‌های آن با اصول اقتصاد اسلامی مغایرت خواهد داشت.

## ۴. قیمت‌گذاری و سهم‌بری سرمایه نقدی از فعالیت اقتصادی

در تعیین سهم‌بری عوامل تولید یا سهم هر یک از طرفین قرارداد، «اصل ثبات مالکیت» و «تبعیت نمو از اصل» نقش اساسی دارند: به این معنا که اگر هرگونه رشد و نموی در اصل مال به وجود آید از آن صاحب مال است. به همین جهت است که مالکیت بذر و نهال، مالکیت زراعت و درخت حاصل از آنها را به دنبال دارد و به همین ترتیب افزایش قیمت مبادلاتی کالا که بر اثر کار و ایجاد کیفیت و صورت جدید به وجود می‌آید، تابع مالکیت همان کالاست؛ یعنی مالک کالا مالک افزایش قیمت مبادلاتی آن نیز هست.

در اقتصاد اسلامی دارایی‌های مالی یا وجوه سرمایه‌گذاری همانند پول نقد زمانی عایدی خواهند داشت که بر اساس عقود شرعی اسلامی در فعالیت مشروع اقتصادی به کار گرفته شوند. برخی از عقود اسلامی نظیر اجاره به شرط تملیک، فروش اقساطی و تنزیل دارای نرخ بازده ثابت می‌باشند که بر اساس ارزیابی کالاهای مورد معامله و انتظارات طرفین تعیین می‌شوند. برخی دیگر مانند مضاربه و مشارکت بر اساس سهم از قبل تعیین‌شده منعقد می‌شوند و لذا دارای سود ثابت نیستند. برخی دیگر از عقود نظیر جعاله دارای مبلغ درآمد ثابت از قبل تعیین‌شده هستند. در اقتصاد و بانکداری اسلامی سهم سرمایه نقدی از نتیجه حاصل از فعالیت سالم اقتصادی در بخش واقعی تعیین می‌گردد و این قانون مهم مبنای اصلی به‌کارگیری عقود اسلامی در این نظام است؛ لذا در عقود

---

از لحاظ توزیع درآمد خواهد بود؛ اما فرض بر این است که با نظارت دولت اسلامی این نوع فعالیت در بانک دولتی با رعایت اصول اقتصاد اسلامی انجام می‌شود.



www.SID.ir

Archive of SID

قرضی، هیچ مازادی بر اصل مال قرض‌داده‌شده تعلق نمی‌گیرد و تعیین هرگونه مازاد بر اصل مال قرضی ربا تلقی می‌گردد؛ همچنین، سِرّ جواز سود در عقود مشارکتی نظیر مضاربه و مشارکت در این است که در این عقود، انتقال مالکیت صورت نمی‌پذیرد و مالکیت سرمایه‌گذار نسبت به سرمایه ادامه می‌یابد و علاوه بر این، عامل یا فرد سرمایه‌پذیر، ضمانت اصل سرمایه مربوط به سرمایه‌گذار را به عهده ندارد و لذا سرمایه‌گذار در سود و زیان فعالیت اقتصادی سهیم می‌گردد؛ به عبارت دیگر، سرمایه‌گذار در ریسک مربوط به فعالیت اقتصادی، مشارکت می‌نماید؛ یعنی منافع سرمایه‌گذار بر اساس تولید ارزش افزوده و نمو حاصل در موضوع سرمایه‌گذاری مشخص می‌شود. در نتیجه اصل تعیین‌کننده در توزیع منافع طرفین اصل «ثبات مالکیت» و «تبعیت نمو از اصل» است.

بر اساس موضوعاتی که در مباحث پیشین مطرح شد می‌توان به جمع‌بندی ذیل به‌ویژه در خصوص قیمت‌گذاری دارایی‌های مالی و سرمایه نقدی به شرح زیر دست یافت:

۱. تعیین نرخ بهره برای دارنده سرمایه پولی در عقد قرض که بازگشت اصل آن از سوی قرض‌گیرنده تضمین شده رباست و هیچ‌گونه بازدهی به قرض تعلق نمی‌گیرد. تعلق درآمد به این نوع دارایی یا سرمایه مالی بهره یا ربا خوانده می‌شود و حرام است.

۲. دارنده مال، انتظار دارد در ازای منابعی که سرمایه‌گذاری می‌کند و این سرمایه‌گذاری زمان‌بر است، بازگشت عادلانه‌ای را در آینده دریافت نماید. این درآمد به عنوان «درآمد سرمایه» یا «بهره طبیعی» خوانده می‌شود و نباید با «ربا» یکی گرفته شود.

اطمینان سرمایه‌گذار به بازگشت حقیقی عادلانه او در آینده به چارچوب نهادی اقتصاد و استحکام قراردادهای اجتماعی مرتبط است که در اثر آن امکان سرمایه‌گذاری در افق بلندمدت در اقتصاد حاصل می‌گردد وگرنه معاملات اقتصادی در افق کوتاه‌مدت و فعالیت‌های تجاری جریان خواهد یافت. این مقدار عواید انتظاری در ادبیات اقتصادی «درآمد انتظاری سرمایه» یا «بهره طبیعی» نامیده می‌شود که میان حال و آینده رابطه برقرار کرده و به عنوان قیمت بین زمانی سرمایه تعادل پایدار اقتصاد کلان را تضمین می‌نماید. این «بهره طبیعی» با بهره تعریف‌شده به عنوان ربا (مورد اول) همخوانی ندارد. بهره تعریف‌شده در خصوص عقد قرض به عنوان درآمد ربوی شناخته می‌شود و حرام است؛ درحالی‌که بهره طبیعی هرچند می‌تواند به عنوان مبنای تصمیم‌گیری اقتصادی در خصوص تعیین



www.SID.ir

Archive of SID

قیمت کالاها و خدمات و عوامل تولید و حتی درصد سهم‌بری از سود در عقود مشارکتی تعریف شود اما موضوع قرارداد نیست و قراردادها در اقتصاد اسلامی بر پایه تعاریف حقوقی و فقهی مربوطه انجام می‌پذیرد. به همین جهت تحلیل اثرات نرخ بهره طبیعی در اقتصاد و مبنا قرارگرفتن آن در تحلیل قیمت‌های تعادلی منافاتی با چارچوب نظریه‌های اقتصاد اسلامی ندارد. برخی از این امر با نام «نرخ نسیه» یادکرده‌اند که گویای رجحان زمانی است (صدر، ۱۳۷۵، ص۱۷۱-۱۸۰) و با نرخ بهره موضوع قراردادهای ربوی متفاوت است. نکته مهم آن است که تعیین هرگونه نرخ بازده یا قیمت اگر با قیمت‌های تعادلی تضمین‌کننده پایداری اقتصاد منافات داشته باشد از دیدگاه اسلامی باید مصداق نرخ گزاف و غیرمنصفانه و أکل مال به باطل تلقی شود وگرنه نمی‌توان از قیمت عادلانه یا قیمت طبیعی و منصفانه سخن گفت.

۳. برای پول نیز می‌توان قیمت سایه‌ای در نظر گرفت و آن نرخ بازده بالقوه‌ای است که از طریق به‌کارگیری پول به عنوان سرمایه نقدی در قراردادهای مشروع اسلامی قابل حصول است. بر این اساس، دارنده پول به عنوان کسی که حق مال خود را باید ادا کند، موظف است که به کاربردهای جایگزین پول خود توجه داشته باشد و از اتلاف یا به‌کارگیری آن در موارد کم‌بازده خودداری کند؛ مگر اینکه توجیه قوی‌تری به عنوان منافع اجتماعی یا منافع انتظاری در آینده ارائه کند.

نکته مهم دیگر در خصوص نرخ بهره «بازدهی» انتظاری و همچنین در تعیین نرخ تنزیل آن است که اگرچه افراد و گروه‌ها در اقتصاد اسلامی، هنگام تصمیم‌گیری، اطلاعات و ارزیابی‌های خود را در چارچوب قوانین و معیارهای مشخص حقوقی به کار می‌گیرند و تعمیم این نرخ‌ها برای کل جامعه و تبعیت دیگران از این نرخ‌ها صحیح نیست، اما درعین‌حال، این امر منافاتی با تعیین نرخ مشخص به عنوان نرخ موزون، جهت مطالعه و تحلیل فرایندهای واقعی اقتصادی در هر یک از جوامع ندارد. چه اینکه این نرخ موزون صرفاً جنبه تحلیلی برای پیش‌بینی روند آتی دارد؛ اما نمی‌تواند به‌طور صریح مبنای بازدهی قرار گیرد. درعین‌حال، دخالت‌دادن نرخ بازدهی طبیعی به عنوان بازدهی بالقوه برای مال در هنگام تصمیم‌گیری برای تخصیص در یک امر سرمایه‌گذاری یا بهره‌برداری از آن چه مانع شرعی می‌تواند داشته باشد جز اینکه افرادی که این ارزیابی‌ها را دارند می‌توانند اسباب



www.SID.ir

Archive of SID

به‌کارگیری مال در موضع قوام آن باشند. حتی اگرچه این نرخ بازده نمی‌تواند به‌صورت صریح مبنای تعیین نرخ بهره یا نرخ سود قطعی قرار گیرد، اما در تعیین سهم سود او در قرارداد مشارکتی تأثیر مستقیم دارد.

۴. آنچه در مباحث فوق مطرح شد از باب مبانی قیمت‌گذاری در اقتصاد و بانکداری اسلامی بود که می‌تواند با معیار «حق» نیز هماهنگی داشته باشد؛ اما باید توجه داشت این موارد برای داشتن برآوردی از نرخ‌های بازدهی واقعی در کلان اقتصاد بود که البته در تصمیم‌گیری خرد افراد نیز مؤثر است؛ اما باید تأکید کرد که درهرحال بر اساس نظام حق و عدل، قیمت‌گذاری عقود مبادله‌ای حتماً باید بر اساس قیمت واقعی مبادلات در بازار صورت پذیرد. در عقود مشارکتی نیز مبنای حقی جز آنچه در عمل از نتیجه قرارداد یا طرح مشارکتی حاصل خواهد شد وجود ندارد.

۵. تعیین دستوری نرخ‌های سود، نه بر اساس منطق اقتصادی و نه بر اساس موازین اسلامی هیچ وجهی ندارد. در چارچوب اسلامی اصل بر آن است که هر نوع تعیین دستوری یا تکلیفی قیمت و یا سود در معاملات، به لحاظ شرعی ناصحیح است و باید از آن اجتناب نمود؛ به عبارت دیگر، طرفین معامله باید بتوانند با توجه به شرایط عرضه و تقاضای بازار و با توجه به ملاحظاتی که دارند، هر قیمتی را که علاقه‌مند هستند برای معامله خود در نظر بگیرند. بررسی آیات و روایات در مسئله جواز یا عدم جواز قیمت-گذاری از سوی حاکم اسلامی، به خوبی نشان می‌دهد که لازم است بین ضابطه عمومی و دلایل و روایات خاص تفکیک قائل شد. در واقع، ابتدا باید از نظر دین اسلام، ضابطه کلی و اصل در تعیین قیمت را مشخص کرد و پس از آنکه اصل اساسی مشخص شد و زیربنای تصمیم‌گیری و قضاوت واقع شد، به تحلیل روایات گوناگونی که در رابطه با این موضوع مطرح شده است، اقدام نمود. در این راستا بررسی منابع اسلامی نشان می‌دهد که ضابطه کلی در مقوله قیمت‌گذاری، «ناصحیح بودن تحمیل قیمت به افراد جامعه» است (موسویان و میسمی، ۱۳۹۳، ص۴۶۰). از منظر اسلام مردم در مصرف اموال خودشان آزادند و تصرف دیگران نیز متوقف به رضایت مالک هر مال است و با توجه به اینکه تعیین قیمت با آزادی مذکور منافات داشته و نارضایتی مالک را به دنبال خواهد داشت، لذا تعیین قیمت در حالت کلی عملی غیرشرعی می‌باشد (حلی، ۱۳۳۳ق، ص۲۲۳).



www.SID.ir

Archive of SID

## ۵. عدم تعادل‌های ناشی از ساختار سیستم بانکداری متعارف

نظام مالی متعارف یک نظام مبتنی بر بدهی و بهره است و ازاین‌رو نظامی آسیب‌پذیر است. به‌ویژه اینکه گسترده‌شدن اعتبارات لزوماً ارتباط مستقیمی با سرمایه و دارایی شکل‌گرفته در بخش واقعی اقتصاد ندارد. اقتصاد ممکن است از طریق تکثیرکنندگان و افزایش‌دهندگان اعتبار، با گسترش اعتبارات بدون پشتوانه روبه‌رو شود. نرخ بهره ممکن است از نرخ طبیعی بهره فاصله بگیرد و می‌تواند سبب افزایش سفته‌بازی و رکود دارایی‌ها گردد. سفته‌بازی خود منجر به تولید بدهی نامحدود می‌شود. وقتی که رکود پدید می‌آید نکول را به دنبال خود می‌آورد؛ زیرا بدهی‌ها بر اساس دارایی‌های مالی به وجود آمده بودند که هیچ وثیقه واقعی نداشته‌اند. در مالی متعارف بانک‌ها حتی با وجود مقرراتی مانند بازل، شرایط ذاتی ثبات ترازنامه را رعایت نمی‌کنند. طبق قانون، بانک‌ها وظیفه دارند که بدهی اسمی خود را به‌طور کامل تضمین کنند. اگر بانک‌ها دارایی از دست می‌دهند باید این زیان را از طرقی نظیر ذخایر سرمایه‌ای خود یا بازنگری در ساختار سرمایه بانک یا کمک‌های دولتی پوشش دهند.

ایجاد اهرم در سیستم مبتنی بر بهره سبب می‌شود سیستم مالی در اثر کوچک‌ترین شوک مقاومت خود را از دست داده و به ورشکستگی برسد و از پرداخت دیون خود ناتوان گردد. معمولاً در بحران‌های ناشی از سیستم مبتنی بر ایجاد اهرم مالی، بانک‌های مرکزی به عنوان آخرین قرض‌دهنده ورود می‌کنند و با توجیه جلوگیری از سرایت بحران، به بانک‌های در حال سقوط کمک می‌کنند. بار این هزینه‌ها به عهده پرداخت‌کنندگان مالیات، کارگران، بازنشستگان و فقرا خواهد بود. این در صورتی است که در مواقعی که در رونق اقتصادی قرار می‌گیریم، نام‌بردگان فوق از منافع ناشی از افزایش قیمت دارایی، بی‌بهره هستند. این امر نظام پولی و مالی را از معیار «عدل» دور می‌کند که خود موجبات انحراف از مسیر حق و بی‌ثباتی را فراهم می‌سازد. اهرم‌های مالی ناشی از شوک‌های مالی که فضای نااطمینانی در اقتصاد را نیز تشدید می‌کند سبب به وجودآمدن انحراف در قیمت‌ها شده و تورم در قیمت‌ها را در پی دارد. بیکاری‌های طولانی‌مدت، افزایش جرم و کاهش سلامت مالی مسئله‌ای است که در طول تاریخ در هنگام بروز بحران‌های مالی به



www.SID.ir

Archive of SID

وجود آمده است؛ ازاین‌رو توزیع ناعادلانه ثروت و فرسایش سرمایه اجتماعی از دیگر هزینه‌های این عدم تعادل‌ها در ساختار متعارف است.

هزینه تنظیم مقررات در هر بحران که ناشی از نقش منفعل تنظیم و نظارت در نوآوری‌های مالی مبتنی بر بدهی و بهره است نیز از دیگر هزینه‌های ساختار نامتعادل سیستم مالی متعارف می‌باشد. همه انواع این هزینه‌ها به خاطر انحراف بخش پولی و مالی از بخش واقعی اقتصاد می‌باشد. در مقابل، در سیستم پولی و مالی اسلامی مبتنی بر معیارهای حق و عدل که در آن نرخ‌ها مبتنی بر بخش واقعی اقتصاد تعیین می‌شود و از سفته‌بازی و جریان «همراستا با چرخه» (procyclical) جلوگیری می‌شود شاهد بروز و گسترش هزینه‌های جانبی اشاره‌شده نخواهیم بود. این سیستم با رعایت این معیارها و موازین، جامعه را به سمت سلامت مالی و ثبات اجتماعی سوق می‌دهد و لذا از هزینه‌های اجتماعی که به‌صورت نظام‌وار، رفاه و اخلاق را در جامعه به چالش می‌کشد مبرا خواهد بود. استفاده از عقود اسلامی نه به شکل صوری بلکه به‌صورت واقعی سبب می‌شود تا جریان خلق اعتبار به‌صورت ضدچرخه (Countercyclical) باشد و از گسترده‌شدن اعتبارات بی‌پشتوانه جلوگیری به عمل آید.

در بانکداری اسلامی هیچ اعتباری بدون اساس و بی‌ضابطه ایجاد نمی‌شود؛ اما در بانکداری متعارف سپرده‌های بانک‌ها می‌تواند در یک لحظه وام داده شود یا برای خرید یک دارایی مالی استفاده شود و یا به عنوان ذخیره برای یک وام جدید در بانک دوم به کار گرفته شود که به این ترتیب به افزایش خلق بی‌ضابطه پول و تورم قیمت‌های کالاها و دارایی‌ها منجر شود؛ اما چنین کاری در بانکداری اسلامی مقدور نیست. ذخایر باید مستقیماً توسط بانک دوباره در تجارت یا فعالیت تولید سرمایه‌گذاری شود و در بخش واقعی مابازای واقعی پیدا کند تا جریان‌های تازه‌ای از کالا و خدمات پدید آید. در این سیستم جریان‌های جدید پول از فروش کالا و خدمات شکل می‌گیرد. در اقتصاد اسلامی در واقع پول با حرکت قلم و با صرف مبادلات کاغذی و دفتری و مستقل از تولید کالا یا ارائه خدمات به وجود نمی‌آید. سرمایه‌گذاری معادل پس‌انداز است و مجموع کالا و خدمات همواره مساوی است با مجموع تقاضا. در این حالت دیگر آشفتگی بانکی یا سفته‌بازی وجود ندارد؛ زیرا در این حالت، منبع اعتباری سفته‌بازی که همانا تکثیر اعتبار ـ بدون



www.SID.ir

Archive of SID

مابازای بخش واقعی ـ است وجود ندارد. بر اساس این نوع بانکداری، در فرایند خلق پول نیز باید مابازا و انتساب به حق وجود داشته باشد و این اعتباردهی بر اساس مابازای خارجی در بخش واقعی صورت می‌گیرد؛ لذا فرایند خلق اعتبار بر اساس تغییرات گذشته، حال و آینده در بخش واقعی اقتصاد است. با توجه به توضیحات فوق می‌توان چنین ادعا کرد که خلق اعتبار در اقتصاد اسلامی ممکن است و نفی نمی‌شود؛ اما به این شرط که فرایند خلق اعتبار مبتنی بر تعریف مشخص کار و فعالیت اقتصادی در بخش واقعی اقتصاد باشد و تغییرات واقعی ارزش افزوده در آن فعالیت را انعکاس دهد.

### ۶. تخصیص و دسترسی عادلانه

یکی دیگر از ممیزات اجرای بانکداری اسلامی در چارچوب اقتصاد اسلامی استقرار موازین عدالت اجتماعی در نحوه برخورداری و دسترسی به منابع بانکی و تحقق عدالت اقتصادی در اثر رعایت استحقاق و شایستگی افراد و بنگاه‌های اقتصادی است. برای اجرای این مهم ضوابط اجرایی و نظارتی ویژه‌ای از سوی دستگاه‌های تنظیم‌گر و نظارتی قابل طرح است. ایجاد حق دسترسی برابر به همه واجدین شرایط، اعطای تسهیلات در حد بهینه ـ با لحاظ اعتبارسنجی ـ تعلق بازدهی به دارنده مال در چارچوب اصل تبعیت نمو و همچنین بررسی امکان ایجاد واحدهای بانکی و تأمین مالی در مناطق مختلف کشور بر اساس حصاربندی فعالیت بانک‌ها و متنوع‌ساختن اعطای مجوز به انواع بانک‌ها از جمله مواردی است که می‌توان برای تحقق عدالت در نظام بانکی در احکام قانونی و موازین و مقررات بالادستی تعیین تکلیف نمود.

### ۷. نظارت تخصصی نهاد تنظیم‌گر (رگولاتور) بر اساس الزامات اجرایی عقود

طبق عقود اسلامی بانک، وکیل سرمایه‌گذاران است و بناست در خدمت بخش واقعی اقتصاد برای توسعه اقتصادی کشور باشد؛ اما اگر بانک و در کل، سیستم مالی کشور که از نهادهای مختلفی تشکیل شده است و در وضعیت بایسته باید در خدمت نظام اقتصادی باشند ـ نه آنکه نظام در خدمت نهادهای سیستم مالی باشد ـ صرفاً به دنبال اهداف بنگاهی خود باشند و در جهت منافع خود پیش روند و نظام اقتصادی را مختل کنند اهداف اقتصاد اسلامی محقق نخواهد شد و همان‌طور که قبلاً اشاره شد اگرچه هنوز نام سیستم بر آن



www.SID.ir

Archive of SID

می‌نهیم اما این سیستم، سیستم اقتصاد اسلامی نیست. وکیل نیز باید همواره با مکانیزم‌ها و کارویژه‌های نهاد مالی تحت نظارت قرار گیرد.

یکی از مهم‌ترین معضلات نظام بانکی کشور در شرایط حاضر اجرانشدن صحیح عقود بانکی است که به صوری‌سازی اجرای عقود انجامیده است. بر اساس شناخت صحیح از اقتصاد و تقسیم وظایف و نقش نهادی بانک‌ها استفاده از ابزارهای مالی اسلامی با الزامات ویژه خود تعریف می‌شوند و نهاد تنظیم‌گر یا رگولاتور بانکداری کشور شایسته است با ایجاد واحدهای تخصصی و از طریق استقرار سیستم یکپارچه و دیجیتال بر اجرای صحیح فرایندهای اجرایی عقود اسلامی و قراردادهای بانکی نظارت کند و محدودیت‌های ویژه‌ای را بر اساس بانکداری اسلامی به‌ویژه برای عقود مشارکتی تعریف کند. برای مثال، اعلام شود استفاده از عقود مشارکتی صرفاً بر اساس توجیه فنی، مالی و اعتباری و با استفاده از خدمات مشاوره‌ای نهادهای موضوع این قرارداد و بر اساس دستورالعمل‌های نهاد تنظیم‌گر «رگولاتور» صورت می‌گیرد. واضح است نهاد تنظیم‌گر و مقررات‌گذار بسته به الزامات هر یک از عقود، استانداردها و معیارهای سنجش صحیح عملکرد و گزارشگری مالی را نیز تنظیم و ابلاغ می‌کند و بر اجرای صحیح آن نظارت می‌کند؛ اما این نظارت بدون بسترسازی و ایجاد زیرساخت به‌ویژه در بخش بانکداری الکترونیک و یکپارچه و تعریف دقیق فرایندها میسر نخواهد بود. امری که تاکنون به نحو جامع در نظام بانکداری کشور جامه عمل نپوشیده است. علاوه بر این، اجرای موفق این امر منوط به تعریف شفاف و روشن نهاد ناظر و وظایف آن است؛ همچنین لازم است سازوکار لازم و ابزار مناسب برای اعمال این نظارت به لحاظ قانونی مشخص و تبیین شود.

## جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

بنیادی‌ترین مسئله در رابطه با شکل‌دهی نظام پولی و بانکی اسلامی آن است که عملیات بانکی در قالب یک نظام اقتصادی در نظر گرفته شود. نظام اقتصادی ترکیبی از مبانی، سازوکارها و روابط بین متغیرها بر اساس اهداف آن نظام می‌باشد. این نظام مشتمل بر بانک مرکزی، شبکه بانکی، نهادهای قانونی، نظارتی، کنترلی، رگولاتوری، نظامات حسابداری و حسابرسی و مالیاتی، ثبت، دولت و زیرساخت‌های نرم‌افزاری و همچنین



www.SID.ir

Archive of SID

سازوکار تعیین قیمت و ... می‌باشد که همه این مجموعه را باید داخل در نظام اقتصاد اسلامی نگریست؛ در غیر این صورت تغییری بنیادین در ساختار موجود نظام بانکی اتفاق نمی‌افتد؛ زیرا فاقد زیرساخت نظری محکمی مبتنی بر آموزه‌های اسلام است. مزیت این تحقیق در نوع نگاه به سیستم بانکداری اسلامی است که آن را به عنوان یک زیرسیستم در ساختار اقتصاد اسلامی می‌بیند. این چارچوب با سه واژه قرآنی «حق» و «عدل» و «قوام» توضیح داده می‌شود. بر این اساس ما به اصول و راهبردهای بانکداری اسلامی به عنوان یکی از مهم‌ترین کارکردهای اقتصاد اسلامی و در ارتباط با آن رسیدیم. این اصول بیانگر این مطلب است که اگر قرار است نوآوری، تغییر و اصلاحی در ساختار بانکداری اسلامی صورت گیرد باید علاوه بر ملاحظات فقهی مربوط به عقود اسلامی این موارد را نیز رعایت کند. مزیت این نگاه آن است که بانکداری اسلامی نسبت به بانکداری متعارف به‌صورت منفعلانه عمل نمی‌کند، بلکه چون خود در ساختاری مشخص حرکت می‌کند می‌تواند فعالانه به ابداع و نوآوری دست زند و همه این ابتکارات در ارتباطی سیستمی نسبت به هم قرار دارند و یکدیگر را نقض نمی‌کنند. این نوع نگاه می‌تواند رویکرد فقهی به نظام بانکداری اسلامی را نیز متحول سازد و فقه کلان سیستمی مبتنی بر قواعد و قوانین اساسی اسلام را مبنای هر تنظیم و تبیین رفتار بایسته قابل تطبیق با نظام اسلامی سازد. در این حالت فقه اسلامی به جای رویکرد کاملاً منفعلانه با تعیین اصول و قوانین اساسی نه توجیه‌گر رفتار موجود نظام پولی و بانکی، بلکه با اتخاذ رویکرد فعال و نظام‌ساز دغدغه تطبیق سازوکارها و تصمیمات با اصول و راهبردها را دنبال می‌کند و پاسدار اصول و موازین اسلامی است. بر این اساس، موضوعات مهمی از قبیل ثبات پول، رابطه بخش پولی با بخش واقعی، تعادل‌های اقتصادی، قیمت‌گذاری و نظارت تخصصی، موضوعات اساسی خواهد بود که بر اساس این نگرش، در نظام بانکی مطرح می‌شود و قراردادهای اسلامی در این بستر به اجرا درمی‌آیند.



www.SID.ir

Archive of SID

## منابع و مآخذ


* قرآن کریم

۱. ابن‌خلدون، عبدالرحمن؛ **مقدمه ابن‌خلدون**؛ ترجمهٔ محمد پروین گنابادی؛ تهران: انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۹.

۲. حرانی، ابن شعبه؛ **تحف العقول**؛ قم: انتشارات بصیرتی، ۱۳۹۴ق.

۳. حکیمی، محمدرضا؛ **الحیاة**؛ تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۸.

۴. حلی، حسن‌بن‌یوسف مطهر؛ **منتهی المطلب**؛ قم: انتشارات حاج احمد، ۱۳۳۳ق.

۵. محمدی ری‌شهری، محمد؛ **میزان‌الحکمه**؛ ج۹، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۳.

۶. صدر، سیدمحمدباقر؛ **الاسلام یقود الحیاة**؛ تهران: وزارة الإرشاد الاسلامی، ۱۴۰۳ق.

۷. ــــــــــ؛ **اسلام راهبر زندگی** (الاسلام یقود الحیاة)؛ ترجمه مهدی زندیه؛ قم: انتشارات دارالصدر، ۱۳۹۳.

۸. صدر، سیدکاظم؛ **اقتصاد صدر اسلام**؛ تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۵.

۹. طباطبایی، محمدحسین؛ **تفسیر المیزان**؛ ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی؛ ج ۲۴.

۱۰.عیوضلو، حسین؛ «درآمدی بر معرفی ارکان و هسته سخت اقتصاد اسلامی»، **دوفصلنامه اقتصاد اسلامی**؛ ش۱، ۱۳۸۷.

۱۱.ــــــــــ؛ «اصول و مبانی نظام پولی در اقتصاد اسلامی»، **مجله اقتصاد اسلامی**؛ ش۲۹، ۱۳۸۷.

۱۲.عیوضلو، حسین و مجید کریمی ریزی؛ «ابرپروژه اصلاح نظام پولی و بانکی کشور»؛ تهران: وزارت اقتصاد، شماره گزارش BSR_Islamic BNK Rules4، ویرایش مورخ ۱۳۹۵/۰۴/۲۶.

۱۳.غزالی، ابوحامد؛ **احیاء علوم‌الدین**؛ بیروت: دارالمعرفة، ۱۴۰۲ق.

۱۴.غفوری، خالد؛ «فقه النظریة لدی الشهید الصدر»، **مجله فقه أهل‌البیت**؛ ش۲۰، ۱۴۲۱ق.

۱۵.مطهری، مرتضی؛ **ربا بانک و بیمه**؛ تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۴۶.




www.SID.ir

Archive of SID

۱۶.موسویان، سیدعباس و حسین میسمی؛ «آسیب‌شناسی نظارت شرعی در نظام بانکی ایران و ارائه اصلاح های قانونی»، **فصلنامه اقتصاد اسلامی**؛ ش۵۴، ۱۳۹۳.

17. Allais, Maurice., Mirakhor, Abbas.; "Unsustainability of the Regime of Interest-based Debt Financing", **ISRA Journal**; Vol.4, 2012.

18. Askari, H., Iqbal, Z., Krichenne, N., & Mirakhor, A; **The stability of Islamic finance:** Creating a resilient financial environment for a secure future; John Wiley & Sons, Vol. 736, 2011.

19. Global Financial Stability Report October, IMF, 2017.

20. Ramsey, F. P.; "A Mathematical Theory of Saving", **Economic Journal**"; Vol.38 (152),1928.



www.SID.ir